



## اسناد تاریخی بین‌المللی شدن خطاهای اجتناب‌پذیر



اکنون که نود و ششمین نشست سالانه‌ی کنفرانس بین‌المللی کار (آی.ال.او) به پایان رسیده و بسیاری از اسناد این نشست از طریق سایت اینترنتی آی.ال.او در دسترس است، می‌توان، به دور از کشمکش‌های جاری و رایج، کلاه را قاضی کرد و به ارزیابی دو سال تاریخ اخیر جنبش سه‌جانبه‌گرایی در ایران پرداخت. دستاوردهایمان چه بوده است؟

قرار بود ششمین همایش ملی کار در سال ۱۳۸۴ برگزار شود. مرور پنج جلد اسناد مربوط به سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به پنج همایش ملی کار، که پس از یک وقفه تقریباً بیست ساله در برگزاری کنفرانس‌های ملی کار، در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ برگزار شدند، نشان می‌دهند که چگونه سازمان‌های کارگری و کارفرمایی ایرانی، آرام آرام سخن گفتن منطقی یا «دیالوگ اجتماعی» را تجربه می‌کردند و می‌آموختند. این سازمان‌ها بی عیب و نقص نبودند و نیستند. اما نسیم روح نواز گفتگوهای اجتماعی، که پیش از این، زمینه را برای تأسیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران آماده ساخته بود، می‌رفت تا آرام آرام، خصوصت‌های دیرپای کارگر و کارفرما را التیام بخشد تا شاید، کارگران و کارفرمایان بتوانند در یک سنگر علیه فقر و نداری، بیکاری و عقب‌ماندگی مبارزه کنند. اما چنین نشد و سیر سه‌جانبه‌گرایی نوپای ایران به مسیر دیگری هدایت شد. توضیح چرایی این تغییر مسیر را به مورخان می‌سپاریم. اما آیا شایستگی آن را داریم که گذشته را نقادی کنیم و اگر خطایی از هر یک از شرکای اجتماعی سرزده با شجاعت بپذیریم و جلوی زبان‌های ملی بیشتر را بگیریم؟

در پی ارایه‌ی توضیح از سوی رئیس وقت هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران که به همین منظور به ژنو فراخوانده شده بود، سازمان بین‌المللی کارفرمایان، بی آنکه از سوی این کانون عالی کارفرمایی درخواستی مطرح شده باشد، و فقط بر اساس وظایف خودش، دولت جمهوری اسلامی ایران را در سطح بین‌المللی به چالش کشید و آنچه که در این شماره‌ی ویژه‌نامه‌ی «پیام کارفرمایان» ارائه شده است، ترجمه‌ی چند سند از بین‌المللی شدن همان خطاهای اجتناب‌پذیر است.

در این ویژه‌نامه، ترجمه‌ی شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان از دولت جمهوری اسلامی ایران به «کمیته‌ی آزادی انجمن» سازمان بین‌المللی کار، و نیز، شکایت «گروه کارفرمایان» در نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار به «کمیته اعتبارنامه‌ها» ارائه شده است. ترجمه‌ی پاسخ حسین ناطق‌نوری مشاور وزیر به این شکایت نیز بخشی از مطالب این شماره است. «کمیته اعتبارنامه‌ها»ی کنفرانس نیز گزارشی به کنفرانس ارائه داده که روز ۱۴ ژوئن سال ۲۰۰۷ در کنفرانس به تصویب رسید. ترجمه‌ی بخشی از این گزارش که به همین شکایت‌ها پرداخته، ارائه شده است. این اسناد به علاوه‌ی ترجمه‌ی دو نامه، این امکان را فراهم می‌آورند که دریابیم، آیا هدایت سه‌جانبه‌گرایی نوپا را در همین مسیر همچنان ادامه دهیم، یا اینکه منافع ملی ایجاب می‌کند بیاموزیم اختلاف‌ها را زیر سقف همین خانه حل کنیم. ■

دومین هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، از هیچ تلاشی برای تفاهم با مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی دریغ نوزید و به رغم تمام مسائلی که مجمع عمومی ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۵ را به تشنج کشاند، دومین هیأت مدیره‌ی این کانون عالی کارفرمایی، مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی را برای حضور در مجمع عمومی ۱۵ اسفند ماه خود

شکایت «آی.او.ای» به «کمیته آزادی انجمن»  
پاسخ دولت به شکایت «گروه کارفرمایان»  
انتظار دارید باور کنند؟

۶ گزارشی از عملکرد مسئولان به جهانیان  
۷ اهمیت تاریخی این حکم در چیست؟  
۷ نامه‌ی دبیرکل هموطن به دبیرکل غیرهموطن

۲  
۳  
۴

آقای خوان سومایا  
مدیرکل دفتر بین‌المللی کار

## شکایت «آی.او.ای» به «کمیته آزادی انجمن»

سندی که ترجمه‌ی آن در ادامه ارائه شده، متن کامل شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان (آی.او.ای) از دولت جمهوری اسلامی ایران به دبیرکل سازمان بین‌المللی کار (آی.ال.او)، و از این طریق، به هیأت رئیسه «کمیته آزادی انجمن» این سازمان، به خاطر نقض مقررات مقاله‌نامه‌ی «آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل» است که روز ۲۷ مه ۲۰۰۷ (۶ خرداد ۱۳۸۶) تسلیم شده است.

قابل توجه است که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تا کنون، جز در مراجع ملی داخلی، در هیچ مرجع بین‌المللی هیچ شکایتی از رفتارهای غیرقانونی مسؤلان وزارت کار و امور اجتماعی مطرح نکرده است. بر عکس، این مسؤلان آن وزارتخانه بودند که برای توجیه رفتارهای خود، ترجمه اعلامیه‌ی کارفرمایان انشعایی را در اختیار مسؤلان سازمان بین‌المللی کار قرار دادند و آن سازمان نیز متن اعلامیه را در اختیار سازمان بین‌المللی کارفرمایان قرار داد تا به وضعیت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران رسیدگی شود.

در پی فراخوان سازمان بین‌المللی کارفرمایان، مهندس محمد عطاردیان رئیس وقت هیأت مدیره‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران در اوایل بهمن ماه ۱۳۸۵ به ژنو رفت تا به پرسش‌های مطرح شده از سوی سازمان بین‌المللی کارفرمایان پاسخ دهد. پس از توضیح‌های مهندس عطاردیان بود که مسؤلان سازمان بین‌المللی کارفرمایان، بنا به وظیفه‌ای که بر عهده دارند، با تمام وجود از حقوق کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به دفاع برخاسته است. طرح این شکایت یکی از اقدامات دفاعی آن سازمان است.

پیش از مطالعه‌ی این سند باید گفت که تمام پیوست‌های آن، که با شماره‌های یک تا سیزده مشخص شده، در دبیرخانه‌ی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران موجود است و در اختیار علاقمندان گذاشته می‌شود. اما اصل سند:

سازمان بین‌المللی کارفرمایان (آی.او.ای) از دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل نقض مقررات «مقاله‌نامه‌ی آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل»، ۱۹۴۸ (مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷)، به هیأت رئیسه «کمیته آزادی انجمن» سازمان بین‌المللی کار (آی.ال.او) شکایت می‌کند.

این شکایت به ویژه به دلیل دخالت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در سازماندهی فعالیت‌های کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران (بند ۲ ماده ۳ مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷) و نیز به خاطر انحلال این کانون عالی کارفرمایی از سوی دولت (ماده ۴ مقاله‌نامه‌ی شماره ۸۷) است که نقض حق آزادی انجمن هستند.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۱۹ عضو آی.ال.او بوده است. جمهوری اسلامی ایران «مقاله‌نامه‌ی آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل»، ۱۹۴۸ (شماره‌ی ۸۷) را تصویب نکرده است. با این همه، جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو سازمان بین‌المللی کار ملزم به رعایت اصول بنیادین که در استانداردهای اصلی کار گنجانده شده‌اند و پاسخگویی به شکایات از نقض مقاله‌نامه‌های شماره‌ی ۸۷ و ۹۸ در برابر «کمیته آزادی انجمن» می‌باشد.

### مستندات شکایت

کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده‌ی خود را اول نوامبر سال ۲۰۰۶ در مجموعه‌ی نگین تهران برگزار کرد تا همراه با موارد دیگر، گزارش فعالیت‌های خود را به اعضای ارائه کرده و هیأت مدیره و بازرسان جدید را انتخاب کند.<sup>۱</sup>

نمایندگان انجمن‌ها و کانون‌های وابسته، و بیش از ده نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی<sup>۲</sup> در مجمع حضور داشتند. تذکر این نکته اهمیت دارد که در چارچوب قوانین ملی<sup>۳</sup>، کانون عالی کارفرمایی ملزم است نمایندگان این وزارتخانه را به عنوان ناظر به مجمع دعوت کند. حضور اجباری این مقامات نیز اصول آزادی انجمن را نقض می‌کند.

آقای محمد عطاردیان رئیس کانون

کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران با بیان مقدماتی خود مجمع را افتتاح کرد. در ابتداء نشست مسؤلان جلسه (یک رئیس، دو ناظر و یک منشی) انتخاب شدند و رایه‌ی گزارش فعالیت‌های کانون عالی کارفرمایی آغاز شد.

این نشست، پیش از انتخاب هیأت مدیره و بازرسان جدید، از

**در ۵ مارس ۲۰۰۷، کانون عالی کارفرمایی، اجلاس مجمع عمومی خود را برگزار کرد و ۸۴ درصد از اعضاء صاحب رأی در آن حضور یافتند. کانون عالی کارفرمایی وزارت کار را از این جریان مطلع ساخت و آن وزارتخانه را دعوت کرد. اما وزارت کار نماینده‌ی خود را به این اجلاس نفرستاد. کانون عالی کارفرمایی از وزارت دادگستری دعوت کرده بود تا نمایندگان خودش را به این اجلاس حضور یافتند. مجمع عمومی هیأت مدیره و بازرسان جدید را تعیین کرد. صورتجلسه‌ی این اجلاس از سوی نمایندگان وزارت دادگستری تایید و امضاء شده است.**

کنار گذاشته شده بودند، مجمع عمومی تصمیم گرفت انتخابات را به حالت تعلیق درآورد و اعتبار هیأت مدیره و بازرسان وقت را به مدت شش ماه، تا برگزاری انتخابات تمدید کند. این تصمیم به رغم دخالت‌های مکرر نماینده‌ی وزارت کار به تصویب رسید. جلسه ساعت ۸ بعد از ظهر همان روز، در آشفستگی به پایان رسید.

در ۲ نوامبر سال ۲۰۰۶ کانون عالی کارفرمایی نامه‌ای (با شماره‌ی ۳۱۰-۶۵۱۹) به وزیر کار فرستاد و وی را از تصمیم مصوب مجمع عمومی

کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران با بیان مقدماتی خود مجمع را افتتاح کرد. در ابتداء نشست مسؤلان جلسه (یک رئیس، دو ناظر و یک منشی) انتخاب شدند و رایه‌ی گزارش فعالیت‌های کانون عالی کارفرمایی آغاز شد.

این نشست، پیش از انتخاب هیأت مدیره و بازرسان جدید، از

مطلع و درخواست دیدار با وزیر را مطرح ساخت. صورتجلسه‌ی نشست مجمع عمومی نیز به پیوست نامه ارسال شد.

در ۴ نوامبر سال ۲۰۰۶، کانون عالی کارفرمایی نامه‌ای از وزارت کار دریافت کرد<sup>۴</sup> (به شماره‌ی: ۹۶۷۰۰ و به تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۰۶) که از سوی مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی امضاء شده بود. در آن نامه، انحلال کانون عالی کارفرمایی و غیرقانونی بودن فعالیت‌های آن اطلاع داده شده بود.

در ۴ نوامبر ۲۰۰۶، و در پاسخ به نامه‌ی وزارتخانه، کانون عالی کارفرمایی نامه‌ای به وزیر کار فرستاد<sup>۵</sup> (شماره‌ی: ۳۱۰-۶۵۴۴) و توجه وی را به این واقعیت جلب کرد که، طبق قوانین مربوطه، انحلال کانون عالی کارفرمایی فقط از طریق حکم قضایی قابل اجراست. به علاوه، کانون عالی کارفرمایی برای بار دوم از وزیر کار درخواست کرد که قرار ملاقاتی برای مذاکره در باره‌ی موضوع تعیین کند. کانون عالی کارفرمایی در این مورد هیچ پاسخی دریافت نکرد<sup>۶</sup>.

در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۶، کانون عالی کارفرمایی علیه وزارت کار به دادگاه شکایت کرد (به شماره‌ی: ۲۳۱/۸۵/۱۹) و خواستار ابطال دستور وزارتخانه مبنی بر انحلال کانون عالی کارفرمایی شد. در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷، دادگاه تشخیص داد که انحلال کانون عالی کارفرمایی فقط از طریق یک دادگاه با صلاحیت قابل اجراست و اعلام کرد که تصمیم وزارتخانه مبنی بر انحلال کانون عالی کارفرمایی بی‌اعتبار و باطل است.<sup>۹</sup>

وزارت کار از پذیرش حکم دادگاه خودداری کرد و در کنفرانس‌های خبری آن را به چالش کشید<sup>۱۰</sup>.

در دسامبر ۲۰۰۶ یک کانون کارفرمایی جدید، با نام «کانون عالی کارفرمایان ایران»، که از سوی وزارت کار تدارک و حمایت شده بود، به ثبت رسید<sup>۱۱</sup>. اجلاس مجمع عمومی این کانون عالی در یک ساختمان دولتی (سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) با اقدامات امنیتی شدید، و ممانعت

## شکایت گروه کارفرمایان در کنفرانس

علاوه بر شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان به هیأت رئیسه «کمیته‌ی آزادی انجمن» سازمان بین‌المللی کار، «گروه کارفرمایان» در نود و ششمین اجلاس بین‌المللی کار نیز شکایتی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران به «کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها»ی کنفرانس تسلیم کرد. به رغم لحن بسیار تند این شکایت، تأکید بر این نکته باز هم لازم است که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران تا کنون به هیچ مرجع بین‌المللی طرح شکایت نکرده است و «گروه کارفرمایان» نیز به اعتبار وظایف دست به این اقدام زده است.

اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی کار رعایت نشده‌اند. از همین رو خواستار آنیم که:

الف - به معرفی آقای ابوالفضل احمدخانلو به عنوان نماینده‌ی کارفرمایان، و نیز به مشاوران حاضر در نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار، آنگونه که در فهرست موقت هیأت‌های نمایندگی آمده، اعتراض کنید؛

ب - آقای محمد عطاردیان مشاور ارشد و دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران را به عنوان نماینده‌ی کارفرمایان، و خانم شهره

### از دولت ایران بخواهید آزارها را متوقف کند و از دخالت در فعالیت‌های سازمان‌های کارفرمایی، و خصوصاً کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران دست بردارد.

تصدیقی مشاور امور بین‌المللی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان را به عنوان مشاور فنی کارفرمایان در کنفرانس حاضر تعیین کنید، چرا که کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران تنها سازمان نمایندگی و قانونی کارفرمایان در جمهوری اسلامی ایران است.

پ - از دولت ایران بخواهید آزارها را متوقف کند و از دخالت در فعالیت‌های سازمان‌های کارفرمایی، و خصوصاً کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران دست بردارد.

ما نسبت به این واقعیت که دولت در توسعه‌ی سازمان‌های کارفرمایی مداخله می‌کند، به شدت نگرانیم.

قابل ذکر است که تأیید اعتبارنامه‌های یک گروه غیرنماینده (و در این مورد، حتی ناشناخته)، می‌تواند به مثابه شناسایی آن گروه از سوی سازمان بین‌المللی کار تفسیر شود. متأسفانه، این امر ممکن است منجر به تقویت گروه‌های کارفرمایی ضعیف و غیرنماینده شود و به آنان این حس را القاء کند که مشروعیت و رسمیت بین‌المللی یافته‌اند.

«گروه کارفرمایان» برای ارایی هر گونه اطلاعات و توضیح‌های اضافی در صورت نیاز، در خدمت کمیته باقی خواهد ماند.

با احترام  
آنتونیو پنالوزا  
دبیر گروه کارفرمایان

به نمایندگی از طرف «گروه کارفرمایان» در نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار، مایلم توجه «کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها» را به تعیین هیأت نمایندگی کارفرمایان ایران در این کنفرانس جلب کنم و مطالب زیر را به عرض کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها برسانم:

۱- کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران، تنها سازمان به رسمیت شناخته‌شده در سازمان بین‌المللی کار از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۹۹، که به عنوان سازمان دارای بیشترین نمایندگی کارفرمایان ایران در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده و برای همیشه شناخته می‌شود، به رغم ارسال یادداشت برای وزیر کار و امور اجتماعی در تاریخ ۹ مه ۲۰۰۷ (پیوست یک)، از سوی دولت در ارتباط با مشارکت کارفرمایان در کنفرانس بین‌المللی کار مورد مشورت قرار نگرفت. در نتیجه، دولت هیأت نمایندگی کارفرمایان را از یک گروه ناشناخته تعیین کرد، که به وضوح یک سازمان کارفرمایی نیستند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند به عنوان سازمان دارای بیشترین نمایندگی کارفرمایی تلقی شوند.

عدم معرفی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران و در نتیجه، عدم مشارکت این کانون عالی در کنفرانس بین‌المللی کار، بخشی از اقدامات ایذائی وزارت کار و امور اجتماعی است. این موارد در شکایت اراییه شده از سوی سازمان بین‌المللی کارفرمایان به «کمیته‌ی آزادی انجمن» سازمان بین‌المللی کار در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۰۷ علیه دولت ایران (پیوست دوم) منعکس شده است.

۲- دولت ایران آقای ابوالفضل احمدخانلو را به همراه تنی چند از مشاوران همان گروه معرفی کرده است. قطع نظر از تعیین فردی از یک مؤسسه‌ی ناشناخته به عنوان نماینده، این واقعیت حاکی از جانبدارانه بودن تصمیم و فقدان استقلال نماینده‌ی کارفرما از دولت است. نیز باید یادآوری کرد که آقای ابوالفضل احمد خانلو هنوز عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان است، با این همه، معرفی وی بدون آگاهی و رضایت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان انجام شده است. کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران با این انتخاب مخالف است.

بر این اساس، و به نمایندگی از سوی «گروه کارفرمایان»، مخالفت رسمی خود را با انتخاب هیأت نمایندگی کارفرمایان ایران اعلام می‌کنم، چرا که اصول و رویه‌های صورت‌بندی شده در بند ۵ ماده ۳

### ملاحظات نهایی

با توجه به مطالب مذکور، اینجانب از «کمیته‌ی آزادی انجمن» تقاضا دارم واقعیت‌های اراییه شده را بررسی کند، دخالت دولت جمهوری اسلامی در فعالیت‌های کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران را قاطعانه محکوم نماید، انحلال این کانون عالی از سوی دستگاه اجرایی را محکوم کرده و به دولت جمهوری اسلامی ایران توصیه کند که:

۱- اصل آزادی انجمن را، که به خاطر عضویتش در سازمان بین‌المللی کار، نسبت به آن ملزم شده است، رعایت کند، و آزار تنها سازمان مستقل کارفرمایان در جمهوری اسلامی ایران را متوقف سازد.

۲- تضمین کند که سازمان‌های کارفرمایی و کارگری می‌توانند بدون دخالت، آزار و ارباب از سوی دولت و طبق شرایط مندرج در ماده ۳ مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷ فعالیت کنند، و بر همین اساس، قانون را اصلاح کند.

۳- تبلیغ و حمایت از سازمان‌های کارفرمایی موازی، مانند «کانون کارفرمایان ایران»، علیه سازمان کارفرمایی مستقل و آزاد، مثل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران، را متوقف سازد.

۴- اطمینان دهد که سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، طبق ماده‌ی ۴ مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۷، از سوی دستگاه اجرایی تعلق و منحل نمی‌شوند.

۵- به صورت علنی لطمات وارد شده به اعتبار کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان را، به خاطر انحلال غیرقانونی آن، اعلام و جبران کند.

۶- «کمیته» را از پیشرفت مرتبط با اجرای توصیه‌های کمیته مطلع سازد.

پیشاپیش از بذل توجه شما به تقاضاهای اینجانب سپاسگزار می‌کنم و برای ادای هر توضیح در مورد نکات این نامه در خدمت شما خواهم بود.

با احترام  
آنتونیو پنالوزا  
دبیرکل

از ورود نماینده‌ی هر انجمن کارفرمایی جز آن‌ها که از سوی وزارت کار دعوت شده بودند، برگزار شد. حدود ۶۰ نفر در این اجلاس شرکت کردند.

در این زمینه، قابل ذکر است که: الف) نام کانون عالی جدید (کانون عالی کارفرمایان ایران) شبیه نام «کانون عالی انجمن‌های کارفرمایان ایران» است و می‌تواند موجب سردرگمی شود. ب) این کانون عالی جدید تحت شماره‌ی ۵۰۰ در وزارت کار به ثبت رسیده که دقیقاً شماره‌ی ثبت «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران» است.

به موازات این اقدامات، در ژانویه ۲۰۰۷، وزارت کار، علیه آقای محمد عطاردیان شکایتی به اتهام نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، و سوءاستفاده از امضاء رئیس کانون عالی کارفرمایان در دادسرا مطرح کرد. در ۱۴ فوریه ۲۰۰۷ دادگاه تشخیص داد که آقای محمد عطاردیان در تمام موارد اتهامی بی‌گناه است.

در ۵ مارس ۲۰۰۷، کانون عالی کارفرمایی، اجلاس مجمع عمومی خود را برگزار کرد و ۸۴ درصد از اعضا صاحب رأی در آن حضور یافتند. کانون عالی کارفرمایی وزارت کار را از این جریان مطلع ساخت ۱۳ و آن وزارتخانه را دعوت کرد. اما وزارت کار نماینده‌ی خود را به این اجلاس نفرستاد. [با پیش‌بینی این امر] کانون عالی کارفرمایی از وزارت دادگستری دعوت کرده بود تا نمایندگان خودش را به این اجلاس اعزام کند. نمایندگان دادگستری در این اجلاس حضور یافتند. مجمع عمومی هیأت مدیره و بازرسان جدید را تعیین کرد. صورتجلسه‌ی این اجلاس از سوی نمایندگان وزارت دادگستری تأیید و امضاء شده است.

در اوائل مارس ۲۰۰۷، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تحت شماره‌ی: ۸۵-۳-۱۰۳۱ رسماً علیه وزارت کار و امور اجتماعی و کانون کارفرمایی تازه تأسیس به دادگاه شکایت کرد و خواستار اقدام موقت، مبنی بر توقف فعالیت‌های آن کانون کارفرمایی شد.

نماینده دبیر کل  
کمیته اعتبارنامه‌ها  
آقای درازن پتروچ

## پاسخ دولت به شکایت «گروه کارفرمایان»

در واکنش به شکایت «گروه کارفرمایان» نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، حسین نوری مشاور وزیر کار و امور اجتماعی و مدیر کل روابط بین‌الملل دو پاسخ داده است. پاسخ اول در یک صفحه و در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۰۷ به کمیته تسلیم شده است. در بند آخر این پاسخ خاطر نشان شده است که شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان به این دلیل وارد نیست که این سازمان «تمام درها را برای مذاکره و توضیح در مورد موضوع بسته است». پاسخ دوم در شش صفحه تنظیم شده که ترجمه متن کامل آن در پی تقدیم می‌شود. کسانی که از ابتداء ماجرا را دنبال کرده باشند، حتی از پاسخ مشاور وزیر تعجب هم نخواهند کرد. انتظاری جز این می‌رود؟ اما برای آن گروه از خوانندگان که با سابقه‌ی موضوع آشنا نیستند، یادداشت کوتاهی در صفحه‌ی مقابل ارائه شده است. اما ترجمه‌ی پاسخ به شکایت:

ای مشکوک است از طرح آن در ۲۴ ماه مه سال ۲۰۰۷ در کمیته‌ی استانداردهای سازمان بین‌المللی کار در «کمیته‌ی آزادی انجمن» به گرمی استقبال می‌کند. دولت، در فوری‌ترین اقدام، رسماً از خانم کارن کورتیس نایب رئیس دیپارتمان استانداردهای بین‌المللی کار، مسؤول «آزادی انجمن» دعوت می‌کند تا از ایران بازدید کند. این بازدید فرصت یگانه‌ای در اختیار دولت می‌گذارد تا

آنان استدلال می‌کردند که کانون عالی کارفرمایی تحت مدیریت آقای عطاردیان دیگر قادر نیست با چنین اعتراضی برخورد کند و ادعا می‌کردند که او در اجرای وظایف اساسنامه‌ی کانون عالی کارفرمایی، از جمله برگزاری انتخابات برای هیأت مدیره‌ی جدید که تا کنون نیز به تأخیر افتاده، ناتوان است.

گروه کارفرمایان مخالف با اراییه‌ی شواهد

## مشاور وزیر کار و امور اجتماعی: بر خلاف آنچه که در شکایت تصریح شده، هیأت مدیره‌ی جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران یک موجودیت کلاً جدید نیست، بلکه همان سازمان با اعضاء هیأت مدیره‌ی تازه انتخاب شده است!

از اتهام‌های بی‌اساس و مغرضانه‌ی دخالت، غرض‌ورزی یا آزار کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مبرا شود.

از آنجا که بحث اصلی آی.او.ای در شکایتش از تعیین هیأت نمایندگی و مشاوران کارفرمایان ایران به نود و ششمین کنفرانس، مربوط به انتخابات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران می‌شود، که از سوی گروه آقای عطاردیان برگزار شد و در وزارتخانه به ثبت نرسید، و در عوض انتخابات بعدی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران از سوی اکثریت کارفرمایان مخالف به ثبت رسید، اراییه‌ی اطلاعات بیشتر در مورد محتوای این وضعیت پیچیده ضروری به نظر می‌رسد.

با این همه، وزارتخانه به منظور تقویت بیشتر وضعیت کانون عالی کارفرمایی در میان کارفرمایان ایرانی و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همیشه در برابر چنین اعتراض‌هایی تحمل زیادی نشان می‌داد. به عنوان نمونه، در مورد تأخیر ۶ ماهه‌ی انتخابات که طبق ماده‌ی ۴۲ اساسنامه‌ی کانون عالی کارفرمایی به صورت خودبه‌خودی منجر به انحلال کانون عالی می‌شود، به طور استثنائی با تمدید ۶ ماهه‌ی دیگر موافقت کرد.

در ادامه، شرح مختصری از نقض آشکار اساسنامه‌ی کانون عالی کارفرمایی و سوءعملکرد مدیریتی در دوران ۶ ساله‌ی تصدی آقای عطاردیان ارائه می‌شود:

● کوتاهی کانون عالی کارفرمایی در

به نمایندگی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران دریافت نامه‌ی مورخ ۳ ژوئن ۲۰۰۷ شما را در مورد اعتراض به تعیین هیأت نمایندگی کارفرمایی تأیید می‌نماید. با عنایت به نظرات کلی کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها در مورد روند تعیین هیأت نمایندگی کارفرمایان و مشاوران، ذیلاً نظرات ما را در مورد ماهیت آن اعتراض و اطلاعات بیشتر در این زمینه ملاحظه می‌فرمایید.

شکایت مطرح شده از سوی سازمان بین‌المللی کارفرمایان (آی.او.ای) تعیین هیأت نمایندگی کارفرمایان ایران را به چالش می‌کشد. آی.او.ای ادعا می‌کند که تعیین هیأت نمایندگی کارفرمایان ایران بر خلاف اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی کار (آی.ال.او) است.

در پاسخ، خاطر نشان می‌شود که طبق قانون کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، تنها سازمان کارفرمایی رسمی است و در نتیجه، انتظار می‌رود که تبلور همبستگی و تجمع اکثریت انجمن‌های کارفرمایی ایران در سطوح استانی و بخش‌ها و زیربخش‌های گوناگون صنعتی و اقتصادی سراسر کشور باشد.

بر اساس قانون کار در ایران فقط یک کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی وجود دارد. از سال ۱۹۹۹ و در مشورت با این کانون عالی کارفرمایی، آقای عطاردیان همراه با دیگر اعضاء هیأت مدیره، برای شرکت در شوراها و مجامع ملی و بین‌المللی به طور مستمر تعیین می‌شدند. حضور آنان در دوره‌های دو سالانه‌ی شورای عالی کار گواه خوبی بر بی‌طرفی دولت است. در همان حال، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به طور مستمر از سوی دولت در مورد تعیین هیأت نمایندگی و مشاوران کارفرمایان برای حضور در مجامع ملی و همایش‌های بین‌المللی مانند کنفرانس‌های بین‌المللی کار، مورد مشورت قرار گرفته است.

به رغم این واقعیت که دولت از سال ۱۹۹۹ در مشورت با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به طور مستمر آقای عطاردیان را به عنوان عضو صاحب رأی انتخاب کرده است، همیشه انجمن‌های کارفرمایی مخالف دیگری در ایران وجود داشته‌اند که به خاطر حفظ وحدت در کانون عالی کارفرمایی به عنوان تنها سازمان رسمی کارفرمایان به انتخاب او اعتراض نمی‌کردند. دولت جمهوری اسلامی ایران در حالیکه به نیت واقعی شکایت آی.او.

برگزاری انتخابات در موعد مقرر به رغم تذکرات مکرر وزارتخانه (پیوست یک)

● کوتاهی آشکار کانون عالی کارفرمایی در اجرای کارکردهایش که به خاطر آن وزارتخانه اعتراض‌های متعددی دریافت کرده است (پیوست دو) مبنی بر اینکه کانون عالی کارفرمایی یک سازمان انحصارگر است تا فراگیر

● کوتاهی کانون عالی کارفرمایی در اراییه‌ی اطلاعات در مورد فعالیت‌ها و دستاوردهایش

● کانون عالی کارفرمایی مستبد و انحصارطلب بوده است (پیوست سه)

● کانون عالی کارفرمایی مسؤل و پاسخگو نبوده است

● کانون عالی کارفرمایی صرفاً یک سازمان کارفرمایی پایتخت بوده است

● کانون عالی کارفرمایی به خون، توان و بینش تازه‌ای نیاز دارد

از همین رو، وزارتخانه قانوناً ملزم بود تا کانون عالی کارفرمایی را مجاب سازد که انتخاباتش را در زمان مقرر برگزار کند و به آنان هشدار داد تضمین کند که قواعد بازی عادلانه در انتخابات به نحو شایسته رعایت می‌شود. با یادآوری ماده ۳۶ اساسنامه‌ی کانون عالی کارفرمایی، هم وزارتخانه و هم هیأت مدیره‌ی کانون عالی کارفرمایی نیاز به رعایت الزام‌های زیر را اعلام کردند:

● انتخاب‌کنندگان باید عضو هیأت مدیره‌ی سازمان خود باشند

● هیأت مدیره‌ی آنان مورد تأیید ادارات استانی وزارت کار و امور اجتماعی باشند

● بدهی معوقه‌ای به کانون عالی کارفرمایی نداشته باشند

● عضویت آنان معتبر باشد

همانگونه که در بند ۴ صفحه‌ی ۲ شکایت آی.او.ای به «کمیته آزادی انجمن» خاطر نشان شده، به نظر می‌رسد که روز انتخابات کسانی که شرایط فوق را نداشتند واجد رأی دادن نبوده‌اند.

طبق [نظر] بازرسان وزارتخانه، بسیاری از افرادی که در انتخابات شرکت کرده بودند به انجمن‌های کارفرمایی ثبت شده تعلق نداشتند و از همین رو شایسته شرکت در انتخابات نیز نبودند. تا این تاریخ هیچ دفتر ثبت معتبری برای انتخاب‌کنندگان وجود نداشته و هیچ سندی نیز از سوی شاکیان ارائه نشده است.

## انتظار دارید باور کنند؟

ترجمه متن کامل پاسخ مشاور وزیر به «کمیته اعتبارنامه‌های» نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار در همین صفحه ارائه شده است. ترجمه گزارش «کمیته اعتبارنامه‌ها» نیز در صفحه ۶ همین «ویژه‌نامه» به چاپ رسیده است و نشان می‌دهد که این فقط ما ایرانیان نیستیم که از این پاسخ‌ها شاخ از سرمان درمی‌آید، بلکه دیگران نیز از این نحوه پاسخگویی حیرت می‌کنند.

خلاصه شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان (آی.او.ای) این است که دولت جمهوری اسلامی ایران، در جریان انتخاب هیأت نمایندگی کارفرمایان، بند ۲ ماده ۳ و ماده ۴ مقاله‌نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار را نقض کرده است. کرده است یا نه؟ بند ۲ ماده ۳ می‌گوید: مقامات دولتی باید از هر گونه مداخله‌ای که ممکن است این حق (حق تدوین و اجرای آزادانه) را اساسنامه و آیین‌نامه‌های خودشان را محدود و یا مانع اعمال قانونی آن باشد، خودداری نمایند.

ماده ۴ هم می‌گوید: سازمان‌های کارگران و کارفرمایان را نمی‌توان از طریق اداری منحل یا توقیف نمود (مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی. محمدرضا سپهری و همکاران). با توجه به این مواد، یک بار دیگر پاسخ‌های مشاور وزیر کار و امور اجتماعی را مطالعه کنید. در سرتاسر پاسخ وی، حتی یکبار اصل موارد شکایت انکار نشده است. بلکه برعکس، مشاور وزیر اذعان دارد که وزارت کار و امور اجتماعی در امور داخلی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مداخله کرده و، به زعم خود، در اجرای اساسنامه این کانون عالی، آن را منحل نیز کرده است! (و از آنجا که، طبق قانون کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تنها سازمان کارفرمایی ایران است)، کانون عالی جدیدی که بعداً تأسیس شد، با همان شماره ثبت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به ثبت رسید. در نتیجه، هیچ اتفاقی نیفتاده است و فقط هیأت مدیره جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران انتخاب شده است و اتفاقاً اعضای جدید، کارفرمایان بسیار خوبی هم هستند و شکایت «سازمان بین‌المللی کارفرمایان» از دولت نیز «مشکوک» و مغرضانه است.

تک تک مواردی که مشاور وزیر در نامه خود به آن‌ها استناد کرده است تا مداخله وزارت کار در امور کانون عالی کارفرمایی را مستدل کند، قابل رد هستند. اما، فرض محال که محال نیست، فرض کنید تمام آن دلایل موجه می‌بودند. باز هم طبق موادی از مقاله‌نامه شماره ۸۷ که آی.او.ای به آن‌ها استناد کرده است، دولت حق هیچ یک از این مداخلات را نداشت. فکر می‌کنید پاسخ مشاور وزیر چیست؟ بخوانید: «آی.او.ای در شکایت خود حق قانونی یک دولت مستقل را برای معرفی سازمان کارفرمایی نادیده گرفته است».

برای مشاور وزیر و هم‌فکرانش سخت است که بپذیرند «دولت» حق مداخله در برخی امور ملت را نداشته باشد. تعارض اصلی این جاست. چه می‌توان کرد؟ ■

از یک غرض‌ورزی آشکار علیه اعضای تازه انتخاب شده است. مایه تأسف است که آی.او.ای، به رغم تلاش‌های متعدد هیأت مدیره جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، به آنان فرصت منصفانه‌ای یک نشست رو در رو را نداده است تا دلایل پشت تحولات اخیر «انجمن‌های کارفرمایی ایران» را توضیح داده و اطلاعات دقیقی در مورد ریشه‌ها و سوابق عالی خودشان در دنیای کارفرمایان ارائه دهند.

به علاوه، مایه تأسف عمیق است که آی.او.ای در شکایت خود حق قانونی یک دولت مستقل را برای معرفی سازمان کارفرمایی نادیده گرفته است و با انتخاب خود خواسته‌ی آقای عطاردیان و خانم تصدیقی به عنوان نمایندگان کارفرمایان ایران، به حکم دادگاه ایرانی مبنی بر تعلیق تمام اقدامات در این زمینه، بی‌اعتنایی کرده است. دولت من اعتقاد دارد که این یک گرایش خطرناک است که می‌توند پیامدهای جدی در آینده داشته باشد. دولت من برای خود این حق را قائل است تا دولت‌های عضو و شرکای اجتماعی را از نقض قوانین از سوی آی.او.ای آگاه سازد.

دولت همچنین مایل است شدیدترین نگرانی خود را نسبت به کاربرد کلمات خصمانه از سوی آی.او.ای، و نسبت دادن ایدئولوژی کارفرمایان از سوی دولت اعلام کند. در حالیکه آی.او.ای حتی دعوت به مذاکره با دیگر طرف‌های این اختلاف را نپذیرفته است، دیدن چنین پیش‌داوری حیرت‌انگیز است و احکام خشن مبتنی بر ایدئولوژی علیه ایران صادر شده‌اند. خاطر نشان می‌شود که اطلاعات ارائه شده از سوی آقای عطاردیان که منجر به شکایت آی.او.ای شده، هیچ اشاره‌ای به هیچ نوع آزاری نشده است.

در پایان، دولت جمهوری اسلامی ایران از «کمیته اعتبارنامه‌ها» درخواست می‌کند تا به استناد استدلال‌های فوق شکایت آی.او.ای را نادیده بگیرد. دولت هرگز مزاحم و مانع کارفرمایان ایران نبوده است. حکم نهایی دادگاه مربوطه، و نه هیچ چیز دیگر، عامل تعیین‌کننده ترکیب هیأت نمایندگی کارفرمایان برای حضور در برنامه‌های آی.او.ای خواهد بود.

در عین حال، ایران مایل است، از طریق این کمیته، هشدار دهد که شرایط فراهم شده برای شرکای اجتماعی به منظور تسلیم شکایات به «کمیته اعتبارنامه‌ها» نباید به عنوان وسیله‌ای برای توهین به دولت مربوطه مورد استفاده قرار بگیرد.

حسین نوری  
مشاور وزیر  
و مدیر روابط بین‌الملل

را، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی تشکیل می‌دهند.

از آنجا که وضعیت دو سازمان کارفرمایی در دادگاه در دست بررسی است و هنوز تکلیف حکم قطعی و لازم‌الاجرا روشن نشده است، دولت در اجرای الزام‌های خود برای معرفی نمایندگان کارفرمایان به نود و ششمین کنفرانس بین‌المللی کار هیچ گزینه‌ای جز اتخاذ تصمیم بر اساس قضاوت بهتر خودش برای چنین انتخابی نداشت. ما حتی در این مرحله نیز برای مشاوره‌ها و ارزیابی‌های بیشترین میزان نمایندگی آنان به کانون عالی ثبت نشده‌ی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران مراجعه کردیم. طبق اطلاعات

♦ مایه تأسف است که آی.او.ای، به رغم تلاش‌های متعدد هیأت مدیره جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، به آنان فرصت منصفانه‌ی یک نشست رو در رو را نداده است. ♦ خاطر نشان می‌شود در اطلاعات ارائه شده از سوی آقای عطاردیان که منجر به شکایت آی.او.ای شده، هیچ اشاره‌ای به هیچ نوع آزاری نشده است.

قابل استناد در اختیار دولت، کانون عالی ثبت شده، با ۹۰۰ انجمن عضو که تقریباً حدود ۸۰ درصد انجمن‌های کارفرمایی ایران است، در برابر ۱۰۵ انجمن عضو دارای حق رأی متعلق به آقای عطاردیان، از نظر تعداد و جامعیت، از کانون عالی ثبت نشده به مراتب پیشی می‌گیرد. بنا بر این دولت تصمیم گرفت نمایندگان را از کانون عالی ثبت شده‌ی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تعیین کند.

دولت با استفاده از این فرصت تعهد خود را به حکم دادگاه، که معتقدیم عادلانه، منصفانه و درست خواهد بود، اعلام می‌کند. با این همه، ما فقط به الزام‌های خود نسبت به آی.او.ای عمل می‌کنیم تا تضمین شود که سازمان کارفرمایی داری بیشترین نمایندگی برای آی.او.ای و تشکیل‌های ملی معرفی می‌شود. کارفرمایان ایرانی، بی‌توجه به بزرگی، رنگ، شخصیت، یا مذهبشان، به یکسان مورد احترام و تعامل قرار می‌گیرند.

دولت به شدت شگفت‌زده است که می‌بیند آی.او.ای، که منطقیاً باید یک سازمان کارفرمایی بین‌المللی فراگیر باشد و باید با تمام کارفرمایان یکسان رفتار کند، از پاسخگویی به دعوت سازمان جدید برای آرایه‌ی توضیح‌ها یا از دریافت آن‌ها، سر باز می‌زند. متأسفانه احساس می‌شود برخی پیشداوری‌ها مانع از آن شده است که آی.او.ای دست به کارهای ساده‌ای مانند برگزاری یک نشست ابتدایی بزند که حاکی

تعمیر دوره‌ی مسئولیت از سوی هیأت مدیره برای ۶ ماه دیگر نقض آشکار اساسنامه‌ی کانون عالی کارفرمایی بود. به علاوه، هیأت مدیره با دعوت انتخاب‌کنندگانی که صلاحیتشان هنوز زیر سوال بود، به مشارکت در رأی دادن، رویه‌ی انتخابات را نقض کرد و اقدام آنان بعداً از سوی دیگر اشخاص مخالف به شدت به چالش کشیده شد و در نتیجه، وزارتخانه در اجرای وظایف قانونی‌اش انتخاباتی را که بعداً از سوی گروه عطاردیان برگزار شد، ثبت نکرد.

دولت بعداً در انطباق با الزام‌های ناشی از مقاله‌نامه‌های اصلی آی.او.ای و به ویژه آزادی انجمن و در غیاب کانون

عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران که طبق اساسنامه منحل شده، با پیشنهاد تعداد زیادی از کارفرمایان مبنی بر برگزاری انتخابات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تحت همان شماره ثبت موافقت کرد. بدین قرار تا آنجا که به دولت مربوط می‌شود، فقط یک کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران وجود دارد که از سوی آقای احمدخانلو ریاست می‌شود که به عنوان یکی از بنیان‌گذاران کانون‌های کارفرمایی ایران در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده است. بر خلاف آنچه که در شکایت تصریح شده، هیأت مدیره جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران یک موجودیت کاملاً جدید نیست، بلکه همان سازمان با اعضای هیأت مدیره‌ی تازه انتخاب شده است. بسیاری از این اعضا، از جمله آقای احمدخانلو، رئیس جدید کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، که سابقه‌ی طولانی حضور در کنفرانس‌های سازمان بین‌المللی کار دارد و حتی در گذشته نیز مدتی رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران بوده است، در «دفتر» و در آی.او.ای به خوبی شناخته شده هستند. او همچنین مهندس واقعی عضویت ایران در آی.او.ای است. دیگرانی مانند آقای ادب، که رئیس انجمن شرکت‌های ساختمانی است، برای دو دوره نماینده‌ی مجلس ملی بوده است. بنا بر این، آنان یک گروه خوشنام و معتبر کارفرمایان ایرانی

## گزارشی از عملکرد مسؤلان به جهانیان

متنی که ترجمه‌ی آن در ادامه تقدیم می‌شود، بخشی از گزارش «کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها» به نود و ششمین نشست کنفرانس بین‌المللی کار است که در خرداد ماه ۱۳۸۶، در ژنو برگزار شد و نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت‌های یک صد و هشتاد و چهار کشور در آن حضور داشتند. در بندهای ۲۶ تا ۳۴ این گزارش، که ترجمه‌ی آن‌ها را در ادامه می‌خوانید، شکایت سازمان بین‌المللی کارفرمایان از دولت جمهوری اسلامی ایران، پاسخ مشاور وزیر کار و امور اجتماعی و دیگر مسؤلان دولت به این شکایت، و نیز توضیح‌های مهندس عطارریان دبیرکل و مشاور عالی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و شهره تصدیقی رایزن این کانون عالی کارفرمایی، و نیز نظر تحلیلی «کمیته‌ی اعتبارنامه‌ها» ارایه شده است. گفتنی است که این گزارش، جمعاً ۱۳۱ بند دارد و بندهای ۳۵ تا ۵۱ آن نیز وضعیت نمایندگی کارگران ایران در نشست اسامال کنفرانس بین‌المللی کار بررسی شده است.

این گزارش روز ۱۴ ژوئن سال ۲۰۰۷ در کنفرانس بین‌المللی کار مطرح و مفاد آن به تصویب رسید. به این ترتیب، نحوه‌ی برخورد مسؤلان وزارت کار و امور اجتماعی با سازمان‌های کارگری و کارفرمایی کشور به جهانیان گزارش شد. یکااش کسانی آنچنان اعتباری داشته باشند که بتوانند آثار زیانبار این شیوه‌ی برخورد را برای مسؤلان توضیح دهند. جلوی ضرر را از هر جا بگیریم، فایده است.

شکایت مربوط به نحوه‌ی معرفی هیأت نمایندگی کارفرمایان جمهوری اسلامی ایران

۲۶ - کمیته [اعتبارنامه‌ها] شکایتی از سوی «گروه کارفرمایان در کنفرانس» دریافت کرد مبنی بر اینکه کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، که به عنوان سازمان کارفرمایی دارای بیشترین نمایندگی در جمهوری اسلامی ایران سال‌ها به رسمیت شناخته شده، و به رغم آنکه در تاریخ ۹ می ۲۰۰۷ یادداشتی برای وزیر کار و امور اجتماعی ارسال کرده، از سوی دولت برای گزینش هیأت نمایندگی کارفرمایان اعزامی به کنفرانس مورد مشورت قرار نگرفته است. در عوض، دولت هیأت نمایندگی کارفرمایان را از یک گروه ناشناخته، که به وضوح یک سازمان کارفرمایی نیستند، تعیین کرده است. در این شکایت اظهار شده است که این کار بخشی از اقدامات ایذایی وزارت کار و امور اجتماعی علیه کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران است، که همین امر نیز موضوع شکایتی از سوی «سازمان بین‌المللی کارفرمایان» (آی.او.ای) است که روز ۲۴ می ۲۰۰۷ به «کمیته آزادی انجمن» تسلیم شده است. دولت، آقای ابوالفضل احمدخانلو و چند نفر دیگر را از همان گروه ناشناخته به عنوان هیأت نمایندگی کارفرمایان انتخاب کرده است. هر چند آقای احمدخانلو عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان نیز می‌باشد، اما وی بدون آگاهی و رضایت آن کانون عالی انتخاب شده است. از همین رو شاکای از «کمیته» خواسته است که اعتبارنامه‌های هیأت نمایندگی را ابطال کرده و به جای آن، دو شخص مورد نظر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تعیین شوند. شاکای همچنین از «کمیته» خواسته است «دولت» را وادارد تا ایداء سازمان‌های کارفرمایی و مداخله در فعالیت‌های آن‌ها را، به ویژه در ارتباط با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، متوقف کند.

مشاور وزیر و مدیرکل امور بین‌الملل، و مشاور دولت و نماینده‌ی جانشین در کنفرانس، و آقای عبدالله اسدی افشار کارشناس وزارت کار و عضو گروه دولت در کنفرانس ارایه شد. خاطر نشان شد که سازمان بین‌المللی کارفرمایان، کانون عالی کارفرمایی جدید را مکرراً مورد بی‌اعتنایی قرار داده است، و این امر قابل درک نیست، زیرا که سازمان کارفرمایی جدید ۷ برابر بزرگتر است. دولت جریان انحلال کانون عالی کارفرمایی را توضیح داد و بر ناکامی کانون عالی در برگزاری به موقع انتخابات تأکید کرد، چرا که انتخابات برگزار شده در نوامبر سال ۲۰۰۶ با بی‌نظمی‌هایی همراه بود و در نتیجه از سوی وزارت کار باطل شد. دولت اطلاع داشت که طبق رأی مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ دیوان عدالت اداری، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نمی‌توانست بر اساس تصمیم دولت منحل شود و در نتیجه، کانون عالی جدید نمی‌توانست به ثبت برسد. اذعان شد که پرونده هنوز تحت رسیدگی قضایی بوده، اما از آنجا که دولت نمی‌توانست حکمی را تصور کند که به کانون عالی کارفرمایی فرصت بیشتری برای برگزاری انتخابات بدهد، قابل توجه بود که با ثبت کانون عالی جدید، با همان شماره‌ی ثبت، به پیش رود.

۳۰ - در توضیحات شفاهی که به درخواست «کمیته» از سوی آقای محمد عطارریان رئیس هیأت مدیره‌ی ساختار قبلی کانون عالی کارفرمایی و خانم شهره تصدیقی رایزن همان سازمان ارایه شد، اینکه کانون جدید کارفرمایان ایران ۹۰۰ سازمان عضو دارد مورد مخالفت قرار گرفت و خاطر نشان شد که این رقم تعداد کل سازمان‌های کارفرمایی را که در سراسر کشور به ثبت رسیده‌اند، نشان می‌دهد.

سال ۱۹۹۹ با مشورت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، به صورت مستمر آقای عطارریان رئیس هیأت مدیره‌ی ساختار پیشین کانون عالی را به عنوان نماینده‌ی اصلی هیأت نمایندگی کارفرمایان معرفی کرده است، انجمن‌های کارفرمایی دیگری نیز در جمهوری اسلامی ایران وجود دارند. این انجمن‌ها برای حفظ وحدت در کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به عنوان تنها سازمان رسمی کارفرمایی به این انتخاب‌ها اعتراض نکردند. «دولت» خاطر نشان ساخت که بر اساس مقررات ملی تعهد داشت تا به کانون عالی در مورد نقض اساسنامه‌اش اخطار دهد و از آنجا که انتخابات این کانون عالی مطابق با الزامات اساسنامه‌اش انجام نشد، کانون عالی را منحل کرد. دولت به پیشنهاد شمار بسیاری از کارفرمایان در مورد برگزاری انتخابات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، ضمن حفظ همان شماره‌ی ثبت، واکنش مثبت نشان داد.

۲۸ - در ارتباط با روند مشاوره، «دولت» تأکید کرد حتی به کانون عالی ثبت نشده نیز توجه داشت تا میزان نمایندگی آن را ارزیابی کند. از آنجا که کانون عالی تازه تأسیس دارای ۹۰۰ عضو با نمایندگی ۸۰ درصد کارفرمایان کشور است، و کانون عالی «قبلی» تنها ۱۰۵ عضو داشت، «دولت» تصمیم گرفت که نمایندگان کارفرمایان را فقط از کانون عالی تازه تأسیس معرفی کند.

۲۹ - توضیحات درخواستی «کمیته»، به صورت شفاهی از سوی آقای امیرحسین شاهمیر، رایزن کار در نمایندگی دائم ایران در ژنو و نماینده‌ی دولت در کنفرانس، به همراه آقای دکتر حسین ناطق‌نوری

به علاوه، کانون جدید، بر اساس اعلام خود، بیش از ۶۰ عضو ندارد. در ادامه تأکید شد که دولت هیچ علاقه‌ای به مذاکره با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نشان نداده است. نوعی تحریف به کار گرفته شد تا به منظور ایجاد شبهه، نشان داده شود که سازمان‌های قدیم و جدید یک سازمان هستند. انتخابات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به موقع انجام شد، و تأکید دولت مبنی بر نامنظم بودن انتخابات درست نیست. تمام اتهام‌های دیگر دولت در نامه‌ی تقدیمی‌اش نیز بی‌پایه است. در تحلیل نهایی، دیوان عدالت اداری به نفع تشکیلات قدیمی کانون عالی رأی داد و دولت باید از رأی دیوان تبعیت کند.

۳۱ - کمیته خاطر نشان می‌سازد در مورد پذیرفتنی بودن شکایت بحث وجود داشته است. با این همه، کمیته توجه دارد که این بحث در چارچوب آئین‌نامه‌های کنفرانس توجیه‌پذیر نیست، در نتیجه شکایت را وارد می‌داند.

۳۲ - کمیته ملاحظه می‌کند که هنوز وقایع مورد منازعه‌ی فراوانی در ارتباط با شکایت وجود دارد. ضمن اینکه این وقایع موضوع رسیدگی محاکم قضایی ملی است، کمیته امیدوار است که این وقایع از سوی دادگاه‌های ذیصلاح روشن شوند. با این همه، کمیته تکراری جدی خود را اعلام می‌کند که دولت هنگامی سازمان جدید کارفرمایان را به ثبت رساند که رویه‌های قضایی رسیدگی به انحلال مورد منازعه‌ی سازمان قدیم هنوز ناروشن بوده است. کمیته، به ویژه ثبت سازمان جدید با همان شماره‌ی سازمان قدیم را، مایه‌ی حیرت می‌یابد. تا زمانی که دیوان عدالت در ارتباط با انحلال کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران رأی نهایی خود را صادر نکرده باشد، اقدام دولت تا به هنگام به نظر می‌رسد.

۳۳ - به طور کلی، کمیته درمی‌یابد نقش نظارتی که کانون ملی به دولت داده است باید در پرتو استانداردهای بین‌المللی در مورد آزادی انجمن مصوب آی.ال.او مورد بررسی قرار بگیرد. همانند مورد مرتبط با سازمان‌های کارگران در جمهوری اسلامی ایران، قدرت دولت در امر نظارت بر انتخابات داخلی برای تضمین رعایت مقررات داخلی این سازمان‌ها تبعات جدی‌ای برای خودمختاری و نفس موجودیت سازمان‌های کارفرمایان و کارگران

## اهمیت تاریخی این حکم در چیست؟

در ادامه‌ی مطالب همین ستون، متن کامل دو حکم دادگاه مبنی بر تبرئه‌ی مهندس محمد عطاردیان رئیس هیأت مدیره‌ی وقت کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران از اتهامات وزارت کار و امور اجتماعی ارایه شده است. این وزارتخانه از مهندس عطاردیان به اتهام نشر اکاذیب، تشویش افکار عمومی، و استفاده از عنوان مجعول به دادسرا شکایت کرده بود، اما دادسرا وی را بی‌گناه شناخت و قرار منع تعقیب صادر کرد. وزارت کار و امور اجتماعی اعتراض خود به این حکم را در دادگاه عمومی جزایی مطرح ساخت، و حکم قطعی همین دادگاه است که اهمیت تاریخی دارد. اهمیت تاریخی این حکم در چیست؟

در بخشی از این حکم تصریح شده است: «انجام مصاحبه با مطبوعات تخصصی و یا طرح شکایت به سازمان بین‌المللی کار هر چند اقدامی خلاف مصالح ملی کشور هم تلقی شود، چون حکایت از اعلام نظر یک کارشناس در مسأله‌ای تخصصی دارد نمی‌تواند جرم تلقی گردد».

بدون شک صدور چنین احکامی از نظر حقوقی باید یک رویه باشد، زیرا قضات شرافتمندی که جز بر اساس قانون حکمی صادر نمی‌کنند، بسیار فراوانند. اما به نظر می‌رسد صدور چنین حکمی در مورد چنین موضوعی در تاریخ دادگستری معاصر ایران کم سابقه یا بی‌سابقه باشد. اینکه ریاست یک دادگاه، به درستی، اظهار نظر کارشناسی متخصصان را، «حتی اگر خلاف مصالح ملی کشور هم تلقی شود»، جرم نداند، برای تمام کارشناسان دلسوز فرصتی فراهم می‌آورد، که دست از تقیه بردارند و اجازه ندهند منافع ملی کشور به بازی گرفته شود.

### قرار منع تعقیب

(صادر در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۵)

در خصوص شکایت وزارت کار و امور اجتماعی بر علیه آقای محمد عطاردیان فرزند حبیب‌الله ۷۰ ساله، مبنی بر نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی با مطالعه محتویات پرونده و تحقیقات به عمل آمده و اظهارات نماینده حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی و دفاعیات متهم و رأی شعبه ۱۹ دیوان عدالت اداری و صورتمجلس مجمع عمومی کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به تاریخ ۸۵/۸/۱۰ و سایر محتویات پرونده، نظر به اینکه دلیلی بر کذب بودن اظهارات متهم وجود ندارد متهم در تاریخ مندرج در جرایم که اظهاراتی به عنوان رئیس هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی داشته، هنوز کانون منحل نشده بوده، بنا بر این وقوع بزه محرز نمی‌باشد. لذا مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌گردد قرار صادره حضوری بوده و ظرف هف روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم عمومی جزائی تهران می‌باشد.

♦ در پی صدور «منع قرار تعقیب»، وزارت کار و امور اجتماعی اعتراض خود را به دادگاه عمومی جزایی تقدیم کرد. متن حکم قطعی این دادگاه، که اهمیت تاریخی دارد، در پی آرایه می‌شود:

بسمه‌تعالی. به تاریخ فوق [۸۶/۴/۲۶] در وقت احتیاطی دادگاه تشکیل، پرونده تحت نظر است ملاحظه می‌شود که در پی اخطار دادگاه به شاکی جهت ارایه لایحه مجدد و توضیح در مورد شکایت خود لایحه‌ای از سوی سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی ارایه که به شماره ۴۰۰ مورخ ۸۶/۴/۲۴ ثبت و ضم پرونده گردیده است و اینک دادگاه با مطالعه لایحه تقدیمی و دادخواست و سایر اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

### «تصمیم دادگاه»

در خصوص اعتراض اداره حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به قرار منع تعقیب صادره از سوی بازپرس شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۱۱ تهران مبنی بر نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی در مورد اتهام آقای محمد عطاردیان صادر شده با عنایت به اوراق و محتویات پرونده و توجهاً به استدلال بازپرس محترم در صدور قرار منع تعقیب و ملاحظه لایحه مجدد اعتراضیه اداره حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی و توجه به اظهارات مشتکی عنه در مصاحبه‌های خود که در نشریات تخصصی مربوطه درج شده است، اظهارات مشتکی عنه حتی اگر به اثبات نیز نرسد به منزله نشر اکاذیب تلقی نمی‌گردد چرا که بزه مذکور وقتی محقق می‌گردد که مشخص شود شخص به قصد اضرار به غیر کذب را با علم و اطلاع نسبت به کذب بودن آن منتشر نماید که در ما نحن فیه مشتکی عنه به جهت اینکه نظارت وزارت کار و امور اجتماعی را در برگزاری انتخابات هیأت مدیره انجمن‌های صنفی مربوطه نوعی دخالت تلقی می‌نماید، مبادرت به انجام مصاحبه نموده که این امر با توجه به وضعیت سن و سال و سوابق مشتکی عنه در موضوع معنونه یک اظهار نظر تخصصی تلقی می‌شود و هر چند اقدام وزارت کار و امور اجتماعی در جهت اجرای قانون باشد اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع مخالف آن باشند و اقدامات را سلبه‌ای و یا به عبارتی غیرقانونی بدانند و آنرا اظهار نمایند فی‌نفسه مواجهه وصف مجرمانه در تحقق بزه نشر اکاذیب نمی‌باشد مگر آنکه سوءنیت خاصی از اظهار نظر کنندنده مطلب محرز گردد که در ما نحن فیه انجام مصاحبه با مطبوعات تخصصی و یا طرح شکایت به سازمان بین‌المللی کار هر چند اقدامی خلاف مصالح ملی کشور هم تلقی شود چون حکایت از اعلام نظر یک کارشناس در مسئله‌ای تخصصی دارد نمی‌تواند جرم تلقی گردد. نهایتاً دادگاه با توجه به استدلالات فوق‌الذکر ضمن رد اعتراض معنونه قرار منع تعقیب صادره را تأیید می‌نماید. این تصمیم دادگاه قطعی است.

رئیس دادگاه شعبه ۱۰۱۸ عمومی جزائی تهران پورقاسمی

♦ **شاکی همچنین از «کمیته» خواسته است «دولت» را وادارد تا ایداء سازمان‌های کارفرمایی و مداخله در فعالیت‌های آن‌ها را، به ویژه در ارتباط با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، متوقف کند.**

♦ **کمیته، به ویژه ثبت سازمان جدید با همان شماره‌ی سازمان قدیم را، مایه‌ی حیرت می‌یابد.**

♦ **به طور کلی، کمیته درمی‌یابد نقش نظارتی که قانون ملی به دولت داده است باید در پرتو استانداردهای بین‌المللی در مورد آزادی انجمن مصوب آی.ال.او مورد بررسی قرار بگیرد.**

♦ **به رغم ادعای مبارزه با انحصارطلبی، دولت عملاً انحصارطلبی دیگری ایجاد کرده است.**

♦ **همانند مورد مرتبط با سازمان‌های کارگران در جمهوری اسلامی ایران، قدرت دولت در امر نظارت بر انتخابات داخلی برای تضمین رعایت مقررات داخلی این سازمان‌ها تبعات جدی‌ای برای خودمختاری و نفس موجودیت سازمان‌های کارفرمایان و کارگران در پی دارد.**

در پی دارد. تا صدور حکم نهایی دیوان عدالت، ساختار کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران قانوناً موجودیت دارد. به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه دولت میزان نمایندگی آن کانون عالی کارفرمایی را بررسی و مشخص ساخته که هنوز دست کم ۱۰۵ عضو دارد، آن تشکل عملاً نیز موجودیت دارد. به رغم ادعای مبارزه با انحصارطلبی، دولت عملاً انحصارطلبی دیگری ایجاد کرده است. اخراج کامل ساختارهای سازمانی که سال‌ها کارفرمایان جمهوری اسلامی را نمایندگی کرده‌اند، از جریان مذاکرات برای معرفی هیأت نمایندگی کارفرمایان به اجلاس نود و ششم کنفرانس با این الزام تطابق ندارد که سازمان‌های کارفرمایی دارای بیشترین نمایندگی باید با آن معرفی موافق باشند. به نظر نمی‌رسد دولت در نظارت خود، ضوابط عینی و اثبات‌پذیری برای تعیین میزان نمایندگی دو گروه نماینده‌ی کارفرمایان داشته باشد.

۳۴- کمیته ملاحظه می‌کند که منشأ این مشکل در جمهوری اسلامی می‌توانست ضرورت شناسایی فقط یک سازمان کارفرمایی از سوی دولت به عنوان شریک برای مشاوره‌ها باشد. این امر منجر به تلاش برای حذف کلی سازمان قبلی از طریق جایگزینی آن با سازمانی که همان نام و همان شماره‌ی ثبت را دارد، شده است. این رویکرد با الزامات اساسنامه‌ی آی.ال.او منطبق نیست. کمیته یادآور می‌شود که «دیوان دائم عدالت بین‌المللی»، در رأی مشورتی خود، به شماره‌ی یک مورخ ۱۶ آگوست ۱۹۲۲، روشن ساخت که استفاده از جمع برای سازمان‌های نمایندگی در ماده ۲، بند ۵ اساسنامه‌ی آی.ال.او، مسأله‌ی خطای دست‌ورزی‌زایی نبود، بلکه این‌ایده را منعکس می‌کرد که «اگر...» در یک کشور خاص چند سازمان صنعتی نمایندگی طبقات کارگر وجود داشته باشد، دولت هنگام معرفی نماینده‌ی کارگران و مشاوران فنی وی، باید تمام آن‌ها را به حساب آورد». در مورد نمایندگی کارفرمایان نیز این امر صادق است. از همین رو، رویکرد دولت در جهت یافتن یک شریک انحصاری در روند مشاوره با معیارهای ماده‌ی ۳ اساسنامه‌ی آی.ال.او منطبق نیست. در نتیجه، کمیته دولت را تشویق می‌کند تا در ارتباط با مسائل متنوع مربوط به آزادی انجمن در آن کشور از مساعدت فنی دفتر سازمان بین‌المللی کار بهره‌برد تا شرایط لازم را برای تضمین این امر که تعیین هیأت نمایندگی‌های غیردولتی در نشست‌های آتی کنفرانس با بند ۵، ماده ۳ اساسنامه‌ی آی.ال.او انطباق کامل دارد، فراهم سازد. ■

جناب آقای پنالوزا  
رئیس سازمان بین‌المللی کارفرمایان

## نامه‌ی دبیر کل هموطن به دبیر کل غیر هموطن

آخرین سندی که در این ویژه‌نامه تقدیم می‌شود، ترجمه‌ی نامه‌ی مرتضی بهشتی دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران به آنتونیو پنالوزا دبیرکل سازمان بین‌المللی کارفرمایان است. برای پی بردن به جنبه‌های منفی این نامه لازم است یک بار دیگر شکایت‌های مخاطب این نامه‌ها از نحوی برخورد مسؤلان دولت با کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران را مطالعه کنیم. در حالیکه آنتونیو پنالوزا، با استناد به مستندات مستدل، از حقوق قانونی و مشروع کارفرمایان ایرانی و کانون عالی آنان دفاع می‌کند، مرتضی بهشتی می‌کوشد با ارایه‌ی اطلاعات مخدوش، رفتار غیرقانونی مسؤلان دولت با تشکلهای مستقل را توجیه کند. تأسف‌آور اینکه وی نمی‌داند آنتونیو پنالوزا پس از مطالعه‌ی نامه‌ی گروهی از کارفرمایان انشعابی، که در دفتر مرتضی بهشتی نوشته شد، به حقانیت کانون عالی پی برد و دفاع همه‌جانبه از این کانون عالی را برعهده گرفت. نامه را بخوانید:

بین‌المللی کار مواجه خواهد شد. کارفرمایان ایران، طبق هنجارها و مقررات جاری و به استناد یکی از مواد [اساسنامه] انجمن که بیشترین انطباق را با پروتکل‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار دارد (هر چند دولت ما هنوز به آن‌ها نیبسته است)، پس از اتمام مدت مأموریت کانون سابق کارفرمایان ایران، که با مواد [اساسنامه] انجمن که در واقع میثاق مشترک اعضاء و هیأت مدیره در طول سه و نیم سال مدت مأموریتش بود ثابت کرد که کانون قبلی کارفرمایان ایران نه شفاف بود و نه پاسخگو (هرگز اجلاس سالانه برگزار نکرد و گزارش

عملکرد و صورت‌حساب مالی را به اعضاء ارایه نداد) و پس از گذشت شش ماه پس از مدت قانونی سه ساله‌ی طولانی آن‌ها، در پیشروی ناموفق شد، کانون فعلی کارفرمایان ایران، به شیوه‌ای که قادر به پوشش جامعه‌ی کارفرمایان کشور باشد، شکل گرفت و امروز افرادی که اعضاء هیأت مدیره را تشکیل می‌دهند از برجسته‌ترین و با تجربه‌ترین بازیگران بخش خصوصی هستند. آقای خلیلی، آقای ادب و آقای احمدخانلو چند نمونه‌اند (یک نظر کارشناسی پیوست است).

امیدوارم، به منظور شناخت بهتر از جامعه‌ی کارفرمایان ایران، بتوانید در آینده‌ی نزدیک دیداری از ایران داشته باشید و من نیز افتخار همراهی شما را داشته باشم.

### با احترام

مرتضی بهشتی  
دبیر کل

پی‌نوشت: هنگامی که آقای خلیلی، رئیس هیأت مدیره‌ی کنفدراسیون صنعت ایران از این نامه و دعوت من از شما مطلع شد، قویاً از من خواست تا مراتب احترامشان را به استحضار برسانم و از شما به طور رسمی دعوت کنم به عنوان مهمان شخصی ایشان دیدار کنید تا بتوانید با بخش خصوصی ایران آشناتر شوید. ما منتظر پاسخ مثبت شما و تاریخ احتمالی دیدار شما از ایران خواهیم ماند.

در ۱۹۹۷، هنگامی که تعداد قابل قبولی از انجمن‌های صنعتی دو باره فعال شدند، کنفدراسیون صنعت ایران را بنا نهادیم. این کنفدراسیون کار خود را در ۱۹۸۰ آغاز کرد.

در حال حاضر، ۷۷ انجمن کارفرمایی صنعتی و حرفه‌ای در سطح ملی عضو این کنفدراسیون هستند.

کنفدراسیون صنعت ایران کوشیده است تعامل سازنده‌ای با کانون کارفرمایان ایران داشته باشد، با این همه، آن کانون در یک زمان خاص و تحت هدایت وزارتی تأسیس شد که رویکرد مثبتی به بخش خصوصی ایران نداشت. در نتیجه، آن کانون تحت نفوذ افرادی قرار گرفت که با جامعه‌ی کارفرمایی ایران بیگانه بودند و به همان خاطر موفق به جذب اکثریت انجمن‌های کارفرمایی نشدند.

یک وظیفه‌ی اساسی و بنیادی که در نظر داشتیم با کمک آقای عطاردیان، که هنوز برایشان احترام قائلیم، انجام دهم، تأسیس شورایی برای ایجاد هماهنگی میان مؤسسات کارفرمایی عمده بود تا صدای قوی‌تر داشته باشند. متأسفانه، پس از آنکه سه نکته‌ی اساسی از منشور هماهنگی ما تغییر کرد و یک بند مهم از آن، که خاطر نشان می‌ساخت: «نمایندگان کارفرمایان در ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف باید از سوی این شورا انتخاب شوند»، حذف شد، هماهنگی ما به شکست انجامید.

اول نوامبر ۲۰۰۶، هنگامی که کانون قبلی کارفرمایان ایران اعلام کرد مجمع عمومی خود را برگزار می‌کند، ۸۵ انجمن صنعتی و حرفه‌ای به دعوت و تشویق کنفدراسیون صنعت ایران در آن مجمع شرکت کردند. چنین حضوری می‌توانست در انتخابات بسیار مؤثر باشد، با این همه، مجمع عمومی موفق به انتخاب اعضاء هیأت مدیره نشد و هیچکدام از موارد دستور جلسه را نیز به بحث نگذاشت.

هنگامی که این اعضاء بی‌نظمی و شرایط متشنج حاکم بر مجمع عمومی را دریافتند، بعضی از آنان نظرات خودشان را در قالب یادداشتی که یک کپی از آن به پیوست این نامه برای شما ارسال شده است، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی منعکس کردند. این افراد اعضاء کنفدراسیون صنعت ایران هستند و شما می‌توانید مطمئن باشید مسائل مطرح شده در این یادداشت مورد قبول و حمایت جامعه‌ی کارفرمایان است.

همانگونه که پیش از این گفته شد، من این نامه را بنا به درخواست اعضاء کنفدراسیون صنعت ایران و کانون فعلی کارفرمایان ایران می‌نویسم، چرا که اخیراً برخی شایعات از سوی مدیران سابق کانون کارفرمایی قبلی پخش شده است. این شایعات حاکی از آن است که این اعضاء متکی به حمایت کامل شما هستند و هر حرکت اساسی و بنیادینی که از سوی کارفرمایان واقعی ایران انجام شود با مخالفت شما و سازمان

من در شرایطی این نامه را می‌نویسم که اخیراً به طور مکرر مؤسسات صنعتی عضو کنفدراسیون صنعت ایران از من خواسته‌اند تا مواردی را به استحضار شما برسانم. این مؤسسات عضو کانون کارفرمایان ایران سابق و کانون کارفرمایان ایران فعلی نیز هستند. اطمینان دارم، به خاطر می‌آورید که طی دیدارتن از ایران در نوامبر ۲۰۰۵، از انجمن شرکت‌های ساختمانی نیز بازدید کردید و در آنجا از نیت مثبت خود در ارتباط با همکاری بین سازمان شما و کشور ما سخن گفتید.

در آن نشست، آقای نظری جلالی، معاون وزیر کار و امور اجتماعی در روابط کار، پس از سخنان آقای عطاردیان نکاتی را خاطر نشان ساخت. شما می‌توانید به محتوای سخنانی که در آن نشست ایراد شد، اگر هنوز به صورتجلسات آن نشست دسترسی داشته باشید، مراجعه کنید (محتوای آن سخنرانی‌ها در دسترس است و اگر کانون قبلی ترجمه‌ی انگلیسی آن‌ها را در اختیار شما نگذاشته باشد، ما می‌توانیم این مسؤلیت را برعهده بگیریم).

در آن نشست، آقای جلالی نظری به وضوح و به روشنی بیان کرد که کانون کارفرمایی سابق برای پوشش دادن مسائل مرتبط به کارفرمایان در سطح ملی ناتوان بوده است. وی سپس به تشکلهای و ارگان‌های دیگری اشاره کرد که مؤسسات کارفرمایی هستند و کانون سابق نتوانست آن‌ها را پوشش دهد. او در واقع داشت مستقیماً به کنفدراسیون صنعت ایران و نیز به انجمن مدیران صنایع اشاره می‌کرد.

من آن روز برای شرکت در جمع دیگری مجبور بودم نشست را ترک کنم، بنا بر این از یکی از همکارانم خواستم که نوشته‌ای را به شما برساند که در آن از شما دعوت کرده بودم تا وقتی را برای ملاقات با ما و بحث پیرامون زمینه‌های همکاری با کنفدراسیون صنعت ایران اختصاص دهید، هر چند به دعوت من پاسخی داده نشد.

و حالا، به وسیله‌ی این نامه، مایلیم به طور خلاصه موقعیت کشورم را در زمینه‌های مرتبط با مسائل کارفرمایی به اطلاع شما برسانم.

همراه با تعدادی از مدیران صنعتی (از بخش خصوصی)، ما استقرار میبانی انجمن مدیران صنایع را در سال ۱۹۷۸ در جریان انقلاب اسلامی مدیریت کردیم. در واقع انجمن قصد داشت از بخش خصوصی در شرایطی که به حمایت نیاز داشت حمایت کند. من مسؤل سازماندهی به یک مؤسسه‌ی کاملاً خصوصی بودم. آقای محسن خلیلی عراقی به عنوان رئیس هیأت مدیره خدمت می‌کرد، سمتی که تا این تاریخ نیز حفظ کرده است.

در حال حاضر این مؤسسه در ۱۵ شهرستان شعبه دارد. ۲ هزار و ۴۰۰ مدیر صنعتی (بهتر است گفته شود صاحبان یا سهامداران عمده‌ی بنگاه‌های بخش خصوصی) عضو این مؤسسه هستند.

با تأسیس انجمن مدیران صنایع، یک مرکز پژوهشی برای کنترل قوانین و مقرراتی که عملاً در خدمت منافع بخش خصوصی نبودند، سازماندهی کردیم. همچنین در نظر داشتیم فرهنگ صنعتی را در کل جامعه ترویج کرده و سندیکاها را که پس از انقلاب و در جریان جنگ تحمیلی منحل یا بسته شده بودند، بازگشایی کنیم.



### پیام کارفرمایان

ارگان کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران  
مدیر مسؤل: بیژن سعید آبادی  
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری  
ناشر: مؤسسه فرهنگی گرایش ویژه

نشانی دبیرخانه کانون عالی:

تهران، خیابان حافظ، خیابان رودسر، شماره ۲۹، طبقه دوم

کد پستی: ۷۹۴۱۵ - ۷۹۳۳۶

تلفن: ۸۸۹۴۰۲۱۱ - ۸۸۹۴۰۵۱۲

فاکس: ۸۸۹۴۴۵۶۴

Website: www.icea.ir

ایمیل: info@icea.ir

تلفن - فاکس تحریریه:

۸۸۹۱۱۰۱۷ و ۱۸

مطالب «پیام کارفرمایان» لزوماً نظر «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران» نیست.

«کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران»

مواضع خود را از طریق بیانیه و با امضاء این «کانون عالی» اعلام می‌کند.